

شبیه‌سازی و نقش‌بازی در تحقیق

دکتر محمدسعید ذکایی

عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

اشاره

مهارت‌های ارتباطی در پژوهش اجتماعی، با پرهیز دادن از تأکید صرف بر آموزش‌های نظری، روش‌ها و نیز تکنیک‌ها، بر مهارت‌های عملی پژوهش تأکید می‌کند. این بینش از مهارت‌های غیرکلامی مورد بررسی قرار گرفتند. اکنون در پژوهش‌های اجتماعی و در این مقاله ضمن طرح موضوع مدیریت برداشت، دو راهبرد «شبیه‌سازی» و «نقش‌بازی» برای انتقال مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در تحقیق بررسی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، روش تحقیق، مدیریت برداشت، شبیه‌سازی، بازی نقش، آموزش علوم اجتماعی

مدیریت برداشت

برقراری ارتباط اثربخش در میدان پژوهش، بدون تردید پیوندی ناگسستنی با «مدیریت برداشت» مناسب دارد. اجرای ماهرانه این مدیریت قضاوت و نگرش شرکت‌کنندگان در تحقیق را هم‌سو می‌سازد و در نتیجه، شناس بیشتر برای تعامل موفق محقق با آن‌ها برقرار می‌سازد.

هرگونه بحثی درخصوص مدیریت برداشت (که اساساً مفهومی برآمده از روان‌شناسی اجتماعی است)، بدون توجه به تعریف و آرای کلاسیک گافمن، جامعه‌شناس آمریکایی، پیرامون آن اجتناب‌ناپذیر است. اگر چه گافمن ایده اهمیت نحوه ارائه خود را در میدان‌های اجتماعی با تعابیر «چهره»^۱ و «کار چهره»^۲ مورد بحث قرار می‌دهد، با این حال این مفهوم‌سازی اولیه او پایه مطالعات گسترده‌ای پیرامون مدیریت برداشت، به‌ویژه در سنت‌های روان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان بوده است که غالباً تعابیری چون مدیریت هویت، مؤدب بودن و مانند آن را برای این ایده به کار می‌گیرند.

در کتاب «مناسک تعامل»، گافمن کار چهره را چنین تعریف می‌کند: «چهره را می‌توان ارزش اجتماعی مثبتی تعریف کرد که فرد به شیوه‌ای مؤثر برای خویش مطالبه می‌کند. این ادعا به‌واسطه خطی الگوی کنش‌های کلامی و غیرکلامی است که دیگران تصور می‌کنند او در خلال تماسی خاص برقرار کرده است. چهره تصویری از خویش است

که بر حسب ویژگی‌های اجتماعی تأیید شده، ترسیم شده است؛ البته تصویری که دیگران نیز ممکن است در آن سهیم باشند. مانند زمانی که فردی به‌واسطه ایفای نقشی مناسب برای خود، نمایش خوبی برای حرفه یا دین خویش ارائه می‌کند» (گافمن، ۱۹۶۷: ۵).

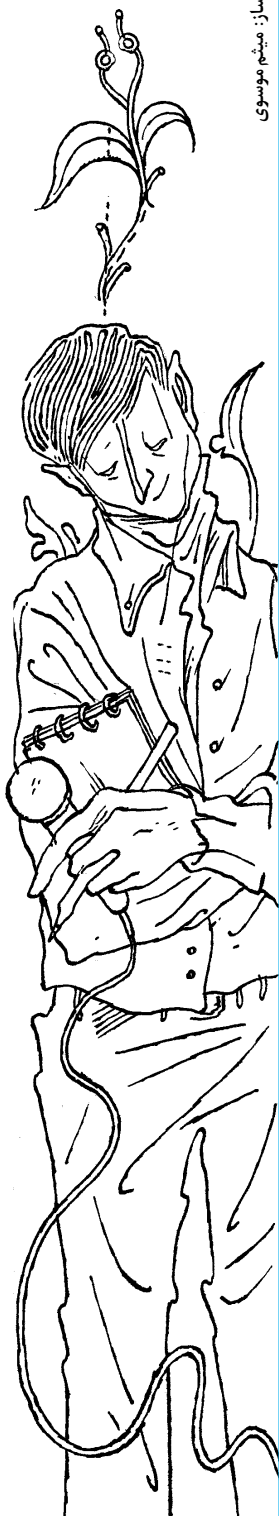
در این تعریف، مدیریت برداشت تولید مجموعه رفتارهای منسجمی است که سبب می‌شوند مخاطبان فرد، استنباطی منطبق با این رفتار از شخصیت او بیابند. در هر مواجهه میدانی محقق می‌باید به این سؤال بیندیشد که چه نوع راهبردهایی در ارائه خود می‌توانند پاسخ‌گوی اهداف و انگیزش‌های او باشد. علاوه بر این، مدیریت برداشت محققان را نسبت به خصایص و ویژگی‌ها، گرایش‌ها و تمایلات شخصیتی خود که می‌تواند بر راهبردهای «خودبرازی» مؤثر افتد، و همچنین، آثار شیوه‌های خود‌برازی و مواجهه او بر مخاطبان پژوهش، حساس می‌سازد. محققانی که به‌دنبال همدردی و شراکت زیاد در عواطف و هیجانات پاسخ‌گوی خود است، راهبرد جلب توجه و محبت او را بیشتر دنبال خواهد کرد. به این منظور احترام بیشتری به پاسخ‌گویان می‌گذارد و بیشتر از آن‌ها تعریف و تمجید می‌کند و در مجموع در برقراری روابط قدرت سعی به اعطای جایگاه بالاتری به مخاطب خود خواهد داشت. به همانسان، محققانی که احساس رقابت بیشتری را در صحنه مطالعه با مخاطب خود دارد و نگران نمایش شایستگی و توانایی‌های خویش است (مثلاً در مصاحبه‌های ژورنالیستی و یا کارشناسانه سیاسی)، سعی در به رخ کشیدن این توانایی برای تعادل بخشیدن به روابط قدرت و مرعوب نشدن در این میدان خواهد داشت. محققانی نیز که میل به شکل‌گیری شخصیت خود به‌عنوان محقق نیازمند کمک و مستأصل دارد، ممکن است با تظاهر به کم تجربه بودن خویش و نیازمندی به دریافت حمایت، در موضعی کم‌قدرت‌تر ظاهر شود و صریحاً درخواست کمک کند.

بدین ترتیب، مدیریت برداشت مناسب نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به اهداف و راهبردهای محقق در میدان ایفا می‌کند و کم توجهی و یا تأمل ناکافی نسبت به آن، می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری را در فرایند تحقیق تحمیل کند. نیت (هدف) و سبک (شیوه) محقق، راهبردهای خود‌برازی محقق را

۵۱

ژسند
آموزش
علوم
اجتماعی
دوره ۱۶
شماره ۳
زمستان
۱۳۹۲

تصویر ساز: نیشم موسوی



**به نظر می‌رسد
به کارگیری
نامناسب
ارتباطات غیر
کلامی و کلامی
در مواجهه و در
موقعیت‌های
خود ابرازانه
پژوهشی، در
بسیاری موارد
محقق را در
دستیابی به
اهداف خود با
دشواری مواجه
می‌سازد**

تعیین می‌کند. به کارگیری سبک اقتدار گرایانه (از موضع بالا) در میدانی که محقق به دنبال همدلی و فهم عمیق تجربه پاسخ‌گو در موضوعی حساس است، نتیجه‌ای جز شکست ندارد. شوخ طبعی و انعطاف‌پذیری زیاد در مواجهه نیز، در میدانی که سروکار محقق با پاسخ‌گویی جدی و نسبتاً قدرتمند است، ناکارا خواهد بود. به کارگیری راهبرد متعادل منوط به شناخت و تجربه کافی محقق از موقعیت‌های مشابه، ارزیابی مستمر و بازاندیشی در رفتار و کنش‌های خود و البته اشتیاق و انگیزش بالا برای آن است.

به نظر می‌رسد به کارگیری نامناسب ارتباطات غیر کلامی و کلامی در مواجهه و در موقعیت‌های خود ابرازانه پژوهشی، در بسیاری موارد محقق را در دستیابی به اهداف خود با دشواری مواجه می‌سازد. اعتماد به نفس کم در برقراری تماس اولیه و پیگیری مصاحبه، از موضع خیلی ضعیف ظاهر شدن (مثلاً با این مقدمه که برای گذراندن این درس یا پایان نامه خیلی به این مصاحبه‌ها نیازمندم)، جدی نگرفتن موقعیت مصاحبه‌ها، اشتیاق و میل کم نشان دادن برای یادگیری از فرصت میدانی مهیا شده، کم توجهی در پیگیری جزئیات و درخواست توضیح از پاسخ‌گو، کم‌گویی و یا پرگویی، رسمی‌سازی و یا غیررسمی‌سازی بیش از اندازه فضای مصاحبه، و احترام‌گذاری مفرط و یا ناکافی به شرکت کنندگان تنها نمونه‌هایی از موقعیت‌های اختلال برانگیزی برای مدیریت برداشت به‌شمار می‌آیند که انعکاس خود را در واکنش و همکاری پاسخ‌گوینان آشکار خواهند ساخت. رویکردهای فوق به بیان گافمن، چارچوب مناسبی برای ایفای نقش و اجرای نمایش مورد نظر به فرد نمی‌دهند و حتی آن را منحرف می‌سازند. فاصله‌گیری از این نقش و اجرا، به ندرت فرصت ترمیم و احیای «خط درست» رابطه را برای کنشگر فراهم می‌سازد.

آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی

گنجاندن آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در برنامه‌های آموزش دانشگاهی، از جهاتی چالش برانگیز جلوه می‌کند. مهم‌ترین چالش، ضرورت تجربه و مهارت‌های شناختی است که انتقال این مهارت‌ها طلب می‌کنند و اساس آن‌ها بر روان‌شناسی آموزشی، آشنایی با رویکردها و نیز تکنیک‌های آموزشی روان‌شناسی اجتماعی و دانش پویا و رو به رشد برنامه درسی استوار است. ذات بین‌رشته‌ای و همچنین، عملیاتی بودن اغلب مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی که در بخش قبلی بدان‌ها پرداختیم (ارتباطات غیر کلامی، مدیریت برداشت، نقش بازی و مانند آن)، اجباراً متخصصان علوم اجتماعی را با درجات زیادی از این مهارت‌ها بیگانه می‌سازد و الزاماً آن‌ها را به سمت آموزش نظری صرف هدایت می‌کند.

در کنار ملاحظه فوق، کمبود فناوری‌های آموزشی و کمک آموزشی در اغلب گروه‌های آموزشی دانشگاهی، پیش‌بینی نشدن

واحدهای عملی مستقل در این زمینه، و نیز جدی گرفته نشدن ساعات و یا زمان‌های محدود موجود برای آموزش و یادگیری این مهارت‌ها را می‌توان از جمله محدودیت‌های دیگر دانست. به‌طور سنتی در آموزش روش در ایران، انتقال محتوا و تأکید بر جنبه‌های نظری غلبه دارد و مهارت‌های عملی چندان مورد تأکید قرار نمی‌گیرند.

بدین ترتیب، با پذیرش اهمیت و ضرورت ارائه این مهارت‌های عملی، بازنگری در محتوا و نیز رویکرد آموزشی درس‌های روش تحقیق اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در ادامه توصیه‌هایی را برای آموزش این مهارت‌ها ارائه خواهیم کرد:

۱. آموزش مهارت‌های اجتماعی ریشه عمیقی در رویکردهای نظری رفتارگرایانه و مبتنی بر یادگیری دارد. از این رو، ارائه آموزش‌ها و برگزاری دوره‌های تکمیلی دوره‌ای به علاقه‌مندان، استادان جوان و محققان سازمان‌ها و مراکز پژوهشی می‌تواند قدم مثبتی در این زمینه به‌شمار آید. برای مثال، ارائه آموزش‌هایی در خصوص مهارت‌های عملی مربوط به گونه‌های متفاوت مصاحبه و یا مهارت‌های «تئو گرافیک» کاربردی پژوهش (برقراری ارتباط با مطلعان و جلب همکاری و اقناع شرکت کنندگان) از آن جمله است. بدیهی است بهره‌مندی از آموزش‌های فوق، علاوه بر ارتقای مهارت‌های پژوهشی محقق، در انتقال آن‌ها به دانشجویان و پژوهشگران و نیز مدیریت بهتر موقعیت‌ها و میدان‌های پژوهشی مفید خواهد بود.

۲. اتکا به متون آموزشی و کمک آموزشی برای ارتقای برخی مهارت‌های ارتباطی، گزینه مفید دیگری است. چنان‌که اشاره شد، بنیان نظری بسیاری از رویکردها و نیز تکنیک‌های ارتباطی اجتماعی را باید در روان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی اجتماعی، مدیریت و رشته‌های مشابه دانست. در دو دهه اخیر، کتاب‌های راهنمای مفیدی به چاپ رسیده‌اند که با نگاه تخصصی و به تفکیک رشته‌های دانشگاهی، مانند مددکاری اجتماعی (Kraak, 2009)، مدیریت (Berkeley, 2007)، و یا حوزه‌های مشابه به آموزش این مهارت‌ها توجه کرده‌اند. همچنین، در یک دهه اخیر طیفی از کتاب‌های مهارت پژوهشی برای هدایت دانشجویان تحصیلات تکمیلی روانه بازار شده است (مانند: Bell, 2010) و یا: (Sharp, 2009) که توصیه‌ها و تجاربی را به آن‌ها در مدیریت کارآمد پژوهش میدانی خویش ارائه می‌کنند. طیف روزافزونی از متون آموزشی نیز در موضوعاتی مانند ارتباطات بین فرهنگی و یا ارتباطات بین فردی موجود است که اغلب آن‌ها مبتنی بر ادبیات نظری و تجربی قلمرو روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی هستند و دانشجویان را به خوبی با مبانی نظری حوزه‌های فوق آشنا می‌سازند.

علی‌رغم آنکه مبانی نظری و منطق رفتاری که عموماً آثار فوق بر آن‌ها استوارند (مانند رفتارگرایی و یا نظریه یادگیری

حاشیه‌ای تلقی شدن مهارت‌های ارتباطی در پژوهش و توجه کمتر به نقش فناوری آموزشی در این زمینه، سبب شده است نمونه‌های زیادی از منابع سمعی و بصری که مستقیماً مهارت‌های تحقیق اجتماعی را آموزش می‌دهند، در اختیار نباشد. با این حال در سال‌های اخیر نمونه‌های مفیدی از برنامه‌های مستند علمی در ایران تولید شده‌اند که نمایش برخی از آن‌ها در جلسات آموزشی، ایده‌ها و تجارب مفیدی در اختیار محققان اجتماعی قرار می‌دهند. استادان

و معلمان درس روش تحقیق به‌خوبی می‌توانند فهرستی از این تولیدات را از بخش دولتی (صدا و سیما) و یا غیردولتی (انجمن مستندسازان) تهیه و در تکمیل بخشی از آموزش‌های درسی و به تناسب رشته‌های تخصصی از آن‌ها بهره‌جویند. در این برنامه‌های مستند که هم فیلم‌های خارجی ترجمه شده به فارسی و هم تولیدات داخلی را شامل می‌شوند، نمونه‌هایی از شیوه‌ارتباط با بیمار و مددجو (برای رشته‌های مددکاری، روان‌شناسی و مشاوره)، نمونه‌هایی از اجرای مصاحبه‌های فردی و گروهی، برقراری تماس‌های میدانی و مشاهدات مشارکتی و غیرمشارکتی (در مطالعات تاریخی و مردم‌نگارانه) را می‌توان یافت که استفاده از آن‌ها بسیار آموزنده است. تماشای این برنامه‌ها دانشجویان را با اهمیت مهارت در برقراری روابط و نیز ارزیابی توانایی‌های خود در هدایت تجارب مشابه آشنا می‌سازد.

شبیه‌سازی و بازی نقش

این دو راهبرد نیز اهمیت زیادی در انتقال مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی دارند. تفاوت اصلی بازی نقش و شبیه‌سازی با مدل نقش، مواجهه فعالانه افراد با موقعیت و وجه غیر تقلیدی آن است. بدیهی است که نمایش ایفای نقش مدل‌ها را می‌توان مقدمه‌ای برای شبیه‌سازی و نقش بازی نیز در نظر گرفت. استادان و معلمان کلاس‌های روش تحقیق می‌توانند بخشی از زمان آموزشی کلاس را بدین منظور اختصاص دهند و از دانشجویان بخواهند، به‌صورت جایگزین نقش‌های مختلف ممکن در موقعیت‌های پژوهشی را شبیه‌سازی کنند. برای مثال، دعوت از دانشجویان برای بازی در نقش کارشناسانی که ادامه مصاحبه را به دلایل مختلف (شخصی‌سازی آن، منحرف ساختن موضوع، پرحرفی و خودگویی زیاد، مقاومت و همکاری ضعیف، و مانند آن) برای مصاحبه‌کننده دشوار می‌سازند، مثالی از این نوع است. علاوه بر آموزش‌های کلاس درس روش تحقیق، گروه‌های آموزشی می‌توانند در تعطیلات نیم‌سال و برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به‌صورت دوره‌ای (مثلاً یک یا دو بار در سال) آموزش‌هایی از این نوع را در چند جلسه متوالی به داوطلبان

اجتماعی و یا مبادله) می‌توانند بسیاری از موضع‌گیری‌ها و ملاحظات حاکم بر رفتار انسانی را در میدان‌های فرهنگی مختلف توضیح دهند اما موقعیت‌های عملی و پیچیدگی‌های ارتباطی تابع شرایط فرهنگی و میدان خاص پژوهش نیز هستند. علاوه بر این، منابع نظری آکادمیک و شبه آکادمیک موجود، جایگزینی برای آموزش عملیاتی و کاربردی که به‌طور تخصصی گروه‌های آموزشی باید متولی آن‌ها باشند، نخواهند بود. آموزش‌های ارائه شده در هر سنت باید متناسب با جهت‌گیری‌های نظری و کاربردی همان سنت باشد.

جهت‌گیری برنامه‌های آموزش روش تحقیق به سوی انتقال تجربی این مهارت‌ها، ضرورتاً مستلزم تدارک زمان و انرژی زیاد نیست و با برخی ابتکارات می‌توان آن را فراهم ساخت. برای مثال، در همه گروه‌های آموزشی علوم اجتماعی در کشورهای غربی، در کنار آموزش‌های نظری کلاس درس، کتابچه‌های تکمیلی نیز در دفتر گروه‌های آموزشی برای تمرین‌های عملی و پروژه‌های کوچک کاربردی تدارک شده‌اند که برای هر درس طیفی از سؤالات و ایده‌های عملی را به‌صورت تمرین در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند. این مجموعه تمرین‌ها به‌طور مستمر بازبینی و به‌روز می‌شوند و هر عضو هیئت علمی ملزم به همکاری در تکمیل آن‌هاست.

منابع سمعی و بصری نیز که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با آموزش درس روش تحقیق همراه هستند، نقش زیادی در تکمیل آموزش‌های نظری و انتقال مهارت‌های اجتماعی پژوهش دارند. برای مثال، مهارت‌های لازم برای انجام مصاحبه‌های کیفی و یا برگزاری مصاحبه‌های گروهی متمرکز را از این طریق به‌خوبی می‌توان آموزش داد. منابع سمعی و بصری، منطبق مدل نقش را مبنای نظری خود قرار می‌دهند. باندورا که از شارحان اصلی سنت یادگیری اجتماعی به‌حساب می‌آید، معتقد است: «عملاً همه یادگیری رفتاری، شناختی، و عاطفی مربوط به تجارب مستقیم را می‌توان با مشاهده کنش‌های افراد و پیامدهای این کنش‌ها به‌دست آورد» (باندورا، ۱۹۹۰: ۱۷۰).

مدل‌سازی مواجهه محقق میدانی با میدانی ناآشنا که برای مطالعه مشارکتی و یا غیرمشارکتی در آن (مثلاً در سنت کلاسیک اتنوگرافیک) وارد شده است، یا مدل‌سازی از مصاحبه‌ای کارشناسانه با یک متخصص با استفاده از یک نوار ویدیویی و یا با نمایش زنده آن می‌تواند آموزنده باشد. مدل‌سازی نقش را می‌توان با راهبردها و اهداف متنوعی دنبال کرد. برای مثال، گاهی می‌توان با نمایش شیوه‌ای دقیق و حرفه‌ای در انجام فعالیتی میدانی، از مخاطبان خواست بکشند سبک و روش مشابهی را برگزینند. به همان سان، گاه نمایش انجام غیر حرفه‌ای و مسئله‌ساز یک مواجهه می‌تواند آموزنده باشد. بدیهی است انتخاب هر راهبرد با توجه به مهارت مخاطبان و اهداف آموزشی متفاوت خواهد بود.



چالش‌های موجود

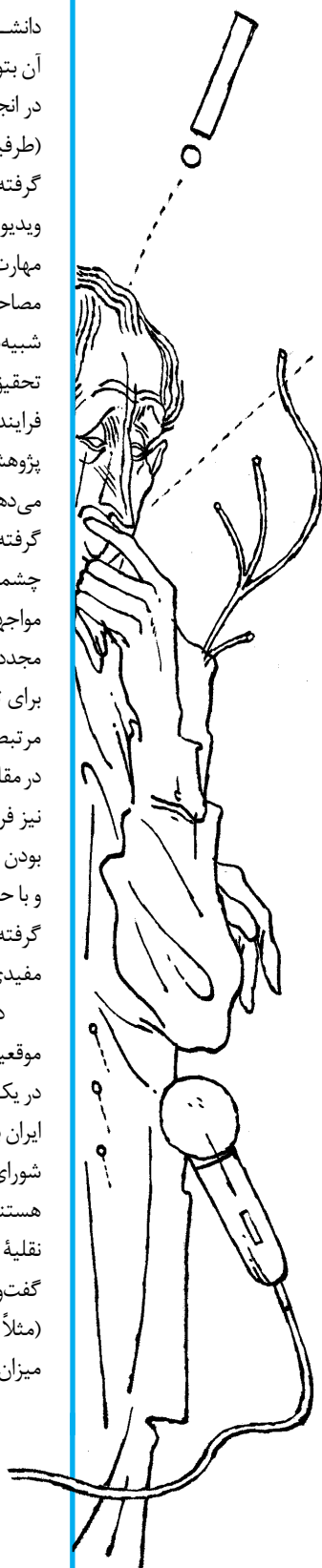
از مشکلات مزمن فرهنگ و سیاست آموزش در ایران، به‌ویژه در علوم انسانی و حوزه آموزش روش تحقیق، عدم تعادل آموزش‌های نظری و عملی و جهت‌گیری‌های ضعیف کاربردی است. بدیهی است این پیشینه خود مانعی در ابتکار عمل‌های آموزشی و دوری جستن از موضوعی است که فریبه آن را «آموزش بانکی» می‌خواند. سوبه دیگری از این مقاومت، جایگاه همچنان حاشیه‌ای آموزش روش‌های کیفی در دپارتمان‌های علوم اجتماعی است. مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی نسبت قوی‌تری با این روش‌ها برقرار می‌کنند و از این‌رو، نگرش‌های کلیشه‌های به روش کیفی، به‌طور طبیعی متوجه آموزش مهارت‌های اجتماعی پژوهش نیز خواهند شد. تلقی مصاحبه‌ها به مثابه درد دل‌های جزئی و کم‌اهمیت که حداکثر نقشی حاشیه‌ای در تحقیق بر عهده دارند، اعتباردهی بیش از اندازه به روش‌های استاندارد کمی (نمونه‌گیری و تجزیه و تحلیل)، و تلقی ساده‌انگارانه از مهارت‌های لازم برای مشاهده و مصاحبه، تنها نمونه‌هایی از این پیش‌داوری‌ها هستند.

بر این اساس، درحالی که برای انجام تحقیق کمی، آشنایی با آمار اجتماعی، نرم‌افزارهای پردازشگر اطلاعات، و تکنیک‌های نمونه‌گیری لازم و دریافت آموزش اجتناب‌ناپذیر است، برای پرداختن به مطالعه‌های کیفی، صرف‌علاقه و انتخاب کافی به‌نظر می‌رسد! این چالش همچنین تا اندازه‌ای برآمده از نگرش غیرعلمی به ماهیت و محتوای این نوع مهارت‌هاست. برخی ممکن است تسلط به این مهارت‌ها را صرفاً یک ویژگی فردی بدانند و نیازی به آموزش‌های رسمی برای آن نبینند. به همان سان شیوه آموزش و انتقال این مهارت‌ها که با مدل‌سازی، شبیه‌سازی و موقعیت‌های مشارکتی عملی همراه است، امکان دارد برای برخی دانشجویان که با شیوه‌های مرسوم سخنرانی و کتاب و بحث انس بیشتری دارند، سخت، نامعمول و حتی غیرضروری جلوه کند. آموزش این مهارت‌ها مستلزم انعطاف‌پذیری و رویکردی غیرسلسله‌مراتبی در آموزش است. البته به‌کارگیری شیوه‌های مشارکتی و غیرسلسله‌مراتبی، ضرورتاً تجربه‌ای مدرن و مرتبط با آموزش عالی جدید نیست. سنت مباحثه که برای قرن‌ها در مدارس دینی ایران جریان داشته است، اگرچه با درس‌های محتوایی حوزوی پیوند دارد، چنانچه در آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌کار گرفته شود، نتایج پرباری را به همراه می‌آورد. دشواری و ملاحظه دیگری که در آموزش مهارت‌های اجتماعی پژوهش نهفته است، برآمده از ارزش‌ها و هنجارهای دینی و فرهنگی است. این ملاحظه به‌ویژه در برقراری ارتباطات غیرکلامی می‌تواند محدودکننده باشد. برای مثال، اگر چه برقراری تماس مستقیم چشمی در موقعیت مصاحبه توصیه‌پذیر است، به‌کارگیری این اصل را در مواردی (مثلاً در مصاحبه با

ارائه کنند. در این نوع جلسات بازی نقش بهتر است اعضای کلاس را با دریافت نظرات و بازخورد آن‌ها از نوع ایفای نقش طرفین سهیم ساخت. برای مثال، می‌توان در خصوص میزان واقعی بودن (طبیعی بودن ایفای نقش) تأثیرگذاری آن و یا راهبردهای مناسب و نامناسبی که طرفین در حین ایفای نقش به کار گرفته‌اند، به طرح سؤال پرداخت.

در هر حال، هدف اصلی تمرین‌های شبیه‌سازی تشویق دانشجویان به بازاندیشی روشمند و منظم است تا از خلال آن بتوانند به ارزیابی رفتار خود در موقعیت آزمایشی (مثلاً در انجام یک مصاحبه کانونی)، ارزیابی شیوه تعامل با طرف (طرفین گفت‌وگو) و نیز اثربخشی راهبردها و تاکتیک‌های به‌کار گرفته شده خویش بپردازند. تماشای اجرای نقش زنده و یا ویدیویی یک موقعیت مصاحبه، امکان یادگیری بیشتر و ارتقای مهارت‌های هر دو طرف ارتباط (در این مثال مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده) را فراهم می‌آورد. بازاندیشی به‌دست آمده از این شبیه‌سازی، برخی تصورات خوش‌بینانه و ساده‌سازانه از فرایند تحقیق اجتماعی را با تردید روبه‌رو می‌کند و ماهیت پیچیده فرایند فهم و شناخت از خلال ارتباط رو در رو و گفت‌وگوهای پژوهشی را بر ملا می‌سازد. این تجربه به دانشجویان فرصت می‌دهد شیوه ارتباط اولیه و جلب اعتماد، شیوه و نوع بیان به‌کار گرفته شده، نوع فاصله‌گذاری‌ها و سرعت گفت‌وگو، نوع ارتباط چشمی و غیرکلامی با پاسخ‌گو، شیوه مناسب طرح سؤال، نوع مواجهه با ابهامات و یا تردیدهای پاسخ‌گو، شیوه پیگیری و طرح مجدد سؤال، شیوه روایتی ساختن و قدرت‌بخشی به پاسخ‌گو برای تسلط بر احساسات و اندیشه‌های خود، تداعی تجارب مرتبط با موضوع، و دهها تجربه مفید و ضروری برای ایفای نقش در مقام مصاحبه‌کننده را بیاموزند. به‌علاوه، این تمرین به پاسخ‌گو نیز فرصتی برای ارزیابی مهارت مصاحبه‌کننده و درک پیچیده بودن فهم و شناخت واقعیت از خلال گفت‌وگویی زنده را می‌دهد و با حساس ساختن او به روش‌های مفید و یا نامناسب به‌کار گرفته شده از جانب طرف گفت‌وگویی خود، درس‌های عملی مفیدی در اختیار او قرار می‌دهد.

در تمرینی دیگر از این نوع، از دانشجویان می‌خواهیم که موقعیت ایجاد ارتباط اولیه و دعوت از پاسخ‌گو را برای همکاری در یک مصاحبه شبیه‌سازی کنند. محققان مجرب مردم‌شناسی ایران به‌خوبی با اهمیت ارتباط اولیه با فرد مطلع روستایی (عضو شورای اسلامی ده و یا معتمد روستا) و پیچیدگی‌های آن آشنا هستند. ظاهر و پوشش فرد، مکان توقف و گفت‌وگو، نوع وسیله نقلیه سفر، معرفی همراهان و یا معرفان فرد و زمان و مکان گفت‌وگو در کنار مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیرکلامی فرد (مثلاً شیوه توضیح و استدلال در خصوص هدف تحقیق و یا میزان خودآشنایی)، در این زمینه تعیین‌کننده هستند.



پژوهش، بیش از آنکه از جانب محققان بدیهی و یا حاشیه‌ای فرض شود، می‌باید به‌عنوان مهارتی کلیدی تلقی و در آموزش رسمی درس‌های روش تحقیق گنجانده شود. مدیریت بهتر و کارآمد پژوهش، دسترسی به جزئیاتی ارزشمند در میدان (که با ابزارها و در موقعیت‌های دیگر در دسترس نیستند)، و حساس ساختن محققان به تأثیر سیاست‌های ارتباطی و تعاملی آن‌ها در میدان پژوهش، تنها بخشی از دستاوردهایی به‌شمار می‌آیند که با آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی پژوهش همراه‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Face
2. Facework

منابع

1. Fetters, M. (2008). Imagination in qualitative research, in L.M. Given, **The Sage encyclopedia of qualitative methods**, Sage: Thousand Oaks.
2. Egan, K. (1997). **The educated mind: how cognitive tools shape our understanding**, Chicago: University of Chicago Press.
3. Greene, M. (1995). **Releasing the imagination: essays on education, the arts and social change**, San Francisco: Jossey-Bass.
4. Davis, C.S. and Ellis, C.S. (2008). Interactive focus groups, in L.M. Given, **The Sage encyclopedia of qualitative methods**, Sage: Thousand Oaks.
5. Benor, R. (1993). **Translated woman: crossing the border with Esperanza story**, Boston: Beacon.
6. Ellis, C. (1995). **final negotiations: a story of love, loss and chronic illness**, Philadelphia: Temple University Press.
7. Bourdieu, P. and Wacquant, L. (1992). **An invitation to reflexive sociology**, Chicago: University of Chicago Press.
8. Douget, A. and Marthner, N. (2007). Feminist Methodologies and epistemology in C. D Bryant and D. L. Peck (eds) 2nd. vol., **21st century sociology**, London: Sage.
9. Gofman, E. (1967). **Interaction ritual: Essays in face behavior**, New Jersey: Transaction Publishers.
10. Bandura, A. (1990). Selective activation and disengagement of social control., **Journal of Social Issues**, 46, 2746-.
11. Kraak, A. (2009). (ed) **Research skills for social work**, New Brunswick: Thousand Oaks.
12. Berkeley Thomas, A. (2003). **Research skills for management studies**, London: Routledge.
13. Bell, J. (2010). **Doing your research project**, London: Routledge.
14. Sharp, J. G. (2009). **Success with your research project**, London: Sage.

پاسخ‌گوی غیرهم‌جنس) می‌توان با انعطاف‌پذیری‌هایی همراه ساخت. همچنین، اگرچه در اغلب موارد حضور شخص ثالث ممکن است در جریان مصاحبه اختلال ایجاد کند، ملاحظات فرهنگ دینی ممکن است حکم به برخوردی انعطاف‌پذیر با آن دهد. مثال‌های فوق و بسیاری ملاحظات دیگر، ضمن آشکار کردن پیچیدگی استاندارد ساختن موقعیت‌های ارتباطی و بر ساخته بودن اجتماعی و فرهنگی شرایط ارتباط، ضرورت برخورداری محققان اجتماعی را از سواد اجتماعی و فرهنگی بالا نیز آشکار می‌سازد. مهارت‌های ارتباط اجتماعی و شیوه آموزش و انتقال آن آشکارا با زمینه‌های فرهنگی و ارزشی هر جامعه نسبتی مستقیم برقرار می‌کنند. مواجهه پژوهشی در یک میدان کلان شهری با مخاطبی تحصیل کرده و جوان، به روشنی متفاوت با ارتباطی مشابه با زنی میان‌سال در روستا و یا شهری کوچک است.

نتیجه‌گیری

مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی در پژوهش اجتماعی سهم زیادی در موفقیت پژوهشگران در فعالیت‌های میدانی و به‌ویژه در پژوهش‌های کیفی دارند. تأکید مفرط بر ارائه آموزش‌های نظری در روش تحقیق و پرداختن به آموزش تکنیک‌ها و فرایندها، در عمل ظرفیت‌های درس‌ها و دوره‌های آموزش روش‌های تحقیق اجتماعی را محدود می‌سازد. در این مقاله اهمیت برخی مهارت‌های مهم ارتباطی و اجتماعی پژوهش، مانند مهارت‌های غیر کلامی، مدیریت برداشت، شبیه‌سازی و بازی نقش را مورد تأکید قرار دادیم و استدلال کردیم که آموزش خلاقانه، بازاندیشانه و انعطاف‌پذیر و تا حد امکان کاربردی و عملیاتی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، آثار چشمگیری در ارتقای اعتبار فعالیت‌های میدانی مربوط به پژوهش اجتماعی دارد. دسترسی به تجارب زیسته و ذهنیات پاسخ‌گویان (به‌ویژه در میدان‌های اجتماعی و یا در میان گروه‌های اجتماعی که سیاست فرهنگی و یا شرایط زمینه‌ای، محافظه‌کاری و احتیاط را فرهنگ غالب می‌سازد) تنها هنگامی ممکن است که ارتباطی نزدیک‌تر به متن تجارب واقعی روزمره کنشگران با آن‌ها برقرار کرد و با انتخاب راهبرد مناسب ارتباطی، تفسیرها و پیش‌داوری‌های غلط را از پاسخ‌گویان دور ساخت، بدیهی است که به‌کارگیری راهبرد متعادل منوط به شناخت و تجربه کافی محقق از موقعیت‌های مشابه، ارزیابی مستمر و بازاندیشی در رفتار و کنش‌های خود و البته اشتیاق و انگیزش بالا برای آن است. اگرچه شبیه‌سازی و مدل‌سازی می‌تواند تمرین مناسبی به‌منظور آماده‌ساختن محققان جوان برای مواجهه با برخی پیچیدگی‌ها و چالش‌های ارتباطی در میدان پژوهش به‌شمار آید، سهم اصلی به‌خودآگاهی و بازاندیشی‌های فردی مربوط است که در موقعیت‌های عملی تقویت و فعال می‌شوند. تسلط بر مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی

